



چرا برخی خودکشی می‌کنند؟!

بررسی دلایل، حکم شرعی و راه‌های
پیشگیری از خودکشی

حجت‌الاسلام و المسلمین محمد خردمند
کارشناس علوم اسلامی

کسانی که خدا را فراموش می‌کنند، گرفتار خودفراموشی می‌شوند. از نظر آمارهای جهانی، کمترین میزان خودکشی در بین مسلمانان وجود دارد؛ در حالی که بیشترین میزان خودکشی در میان مردم کشورهای است که خدا را فراموش کرده‌اند.

پوچ‌گرایی و نهیلیسم میوه تلخ فراموشی خداست که در جهان معاصر میلیون‌ها نفر را به سوی خودکشی کشانده و قربانیان فراوانی گرفته است.

انسان مؤمن که از افسردگی، اضطراب و نومیدی رها شده و قلب و روح و جانش با یاد خدا آرامش یافته است، چرا خودکشی کند؟! اگر می‌خواهید در هر جامعه‌ای از خودکشی پیشگیری کنید، عشق الهی و ایمان راستین به خدای حکیم را به مردم بیاموزید و تقویت کنید.

حکم شرعی خودکشی

و منفی یک موضوع یا شخص، و نگرش جامع و همه‌جانبه به یک حادثه یا یک گروه یا اجتماع. پس کسی را که فقط عیب‌ها، آفت‌ها و فسادها را می‌بیند و ذکر می‌کند و همه امور را سیاه و منفی ترسیم می‌کند، نمی‌توان او را ناقد یا منتقد دانست. به تعبیر دیگر، چنین انتقادی، واقع‌نمایی نیست، ناقص است و هرگز با انصاف و عدالت نمی‌سازد. آیا سیاه‌نمایی، بدآموزی و پوشاندن چهره واقعیت و فریبکاری و تعمیم ناروا، اشتباهی بزرگ و تحریفی زیان‌بار نیست؟! سیاه‌نمایی یأس می‌آورد و امید را از بین می‌برد و انسان بدون امید می‌میرد.

یک مثال روشنگر

برای مثال، داستان‌نویس ایرانی، صادق هدایت را در نظر بگیرید. شاید کسی بپندارد که آثار صادق هدایت، انعکاس واقعیات جامعه ایران و انتقاد از آن بود! ولی آیا این پندار صحیح است؟! هرگز. چرا؟! چون آثار صادق هدایت یک‌جانبه‌نگری و سیاه‌نمایی است و می‌دانیم که منفی‌بافی اگر گسترش یابد، کم‌کم به نومیدی می‌انجامد و شاید انسان را به خودکشی نیز برساند؛ همان‌طور که خود صادق هدایت نیز گرفتار چنین اشتباه بزرگی شد و سرانجام خودکشی کرد!

آسیب‌شناسی و نقد وضعیت جنبه‌های منفی جامعه

آسیب‌شناسی دو نوع است: یکی یأس‌آور، و دیگری امیدآفرین. اگر آسیب‌شناسی به معنای نگرش یک‌بُعدی و دیدن فسادها و بدی‌ها و غفلت از رشد و خوبی‌ها باشد، انسان به یأس و نومیدی می‌رسد، ولی اگر آسیب‌شناسی عبارت باشد از نگرش همه‌جانبه به همه ابعاد زندگی اجتماعی، اعم از بدی‌ها و خوبی‌ها، خدمت‌ها و خیانت‌ها، مثبت‌ها و منفی‌ها، در این صورت می‌توان به راستی واقعیات تلخ و شیرین جامعه و میزان تکامل یا انحطاط آن‌ها را شناخت و با امید حرکت کرد و به ترمیم آسیب‌ها و اصلاح‌گری پرداخت. به همین دلیل، استاد شهید مطهری در برابر سخن یکی از دانش‌گامیان که گفت: صادق هدایت که خودکشی کرد، حقیقت جامعه خود را می‌دید و چیزی را که دیده بود مطرح کرد، اظهار داشته است که دیدن یک‌جانبه، غلط و بدآموزی

از دیدگاه اسلام، یکی از گناهان کبیره، کشتن هر نفسی است که خدای کریم آن را محترم شمرده است. پس فرزندکشی حرام است؛ همان‌طور که کشتن انسان‌های بی‌گناه دیگر نیز ممنوع است. البته انسان در مقام دفاع می‌تواند دشمن متجاوز را بکشد و یا قاتل جنایتکار می‌تواند به‌عنوان قصاص کشته شود. در هر حال، عنوان نفس محترم مصادیق فراوانی دارد و شامل خود انسان نیز می‌شود و خودکشی نیز حرام است؛ یعنی هیچ انسانی در هیچ شرایطی حق ندارد اقدام به خودکشی کند.

پشتوانه قانونی حرمت خودکشی

منظور ما از تعبیر پشتوانه، ادله شرعی این حکم نیست، بلکه ضمانت اجرایی آن است. دین مبین اسلام که خودکشی را حرام اعلام کرده، پشتوانه‌اش را ایمان به خدا قرار داده است، همان خدایی که نظام احسن را آفریده و بر هر چیزی تواناست و زندگی دنیا را سراسر آزمایشگاه قرار داده است و «گر ز حکمت ببندد دری، ز رحمت گشاید در دیگری». آری ایمان به خدای دانای کل و قادر متعال و ارحم‌الرحمین، سرچشمه امید به زندگی و آرامش روحی است و هر انسانی با امید زنده است. انسان با ایمان گاهی غمگین می‌شود یا گرفتار بلا و مصیبت می‌گردد و گاه گریان و نالان می‌شود و اشک می‌ریزد، ولی خودکشی! هرگز. انسان مؤمن، که از افسردگی و اضطراب و نومیدی رها شده و قلب و روح و جانش با یاد خدا آرامش یافته، چرا خودکشی کند؟!

به همین دلیل، از نظر آمارهای جهانی، کمترین میزان خودکشی در بین مسلمانان وجود دارد؛ در حالی که بیشترین میزان خودکشی در میان مردم کشورهای است که خدا را فراموش کرده‌اند. پوچ‌گرایی و نیهیلیسم میوه تلخ فراموشی خداست که در جهان معاصر میلیون‌ها نفر را به سوی خودکشی کشانده و قربانیان فراوانی گرفته است.

نیهیلیست‌ها و نقد وضعیت جامعه خود

نقد با سیاه‌نمایی مساوی نیست، بلکه نقد عبارت است از تفکیک بین خوب و بد، حق و باطل، امتیازات و کاستی‌ها، ویژگی‌های مثبت

آسیب‌شناسی دو نوع است: یکی یأس‌آور، و دیگری امیدآفرین. اگر آسیب‌شناسی به معنای نگرش یک‌بُعدی و دیدن فسادها و بدی‌ها و غفلت از رشد و خوبی‌ها باشد، انسان به یأس و نومیدی می‌رسد

است. دیدن صحیح یک جامعه این است که ما خالی از هرگونه حب و بغضی، نیکی‌های جامعه را هم ببینیم. بدی‌های جامعه را هم ببینیم. اگر فقط بدی‌ها را ببینیم و اساساً خوبی‌ها را نبینیم و به همین خاطر آن‌ها را انکار کنیم، این نوعی خیانت به جامعه است که کم‌کم به خیانت به خود منجر می‌شود.

وقتی انسان به‌طور دائم به خود تلقین کند که جز شر و فساد و بدی و بدذاتی و شرارت چیزی نیست، این حس منجر به همان یأس و ناامیدی و همان خودکشی‌ها می‌شود (مطهری، تکامل اجتماعی، ج ۲۵: ۵۴۴ - ۵۴۳).

نظر استاد مطهری در مورد خودکشی صادق هدایت

صادق هدایت خودکشی کرد، چون گوهر ایمان به خدا را نشناخته و جزو پوچ‌گرایان و نیهیلیست‌ها بود و زندگی را لغو و بیهوده می‌پنداشت. البته استاد شهید در کتاب «عدل الهی» بر تأثیر و زمینه‌سازی عامل اشرافیت و نازپروردگی در هدایت نیز تأکید کرده و چنین نوشته است:

یکی از علل خودکشی او این بود که فکر صحیح و منظم نداشت. او از موهبت ایمان بی‌بهره بود. جهان را مانند خود بوالهوس و گرافه‌کار و ابله می‌دانست. لذت‌هایی که او می‌شناخت و با آن‌ها آشنا بود، کنیف‌ترین لذت‌ها بود و از آن نوع لذت‌ها دیگر چیز جالبی باقی نمانده بود که هستی و زندگی ارزش انتظار آن‌ها را داشته باشد. او دیگر نمی‌توانست از جهان لذت ببرد. آری، شرط استفاده کردن از لذت‌ها، آشنا شدن با رنج‌هاست. تا کسی پایین دره نباشد، عظمت کوه را درک نمی‌کند. اینکه خودکشی در طبقات مرفه‌تر است، یک علتش این است که معمولاً بی‌ایمانی در طبقه مرفه بیشتر است، و دیگر از این است که طبقه مرفه لذت حیات و ارزش زندگی را درک نمی‌کنند. زیبایی عالم را احساس نمی‌کنند. معنی حیات و زندگی را نمی‌فهمند. لذت و رفاه بیش از اندازه، انسان را بی‌حس کرده و به‌صورت یک موجود کرخت و ابله در می‌آورد. چنین انسانی بر سر موضوعات کوچکی خودکشی می‌کند. «فلسفه پوچی» در دنیای غرب، از یک طرف حاصل از دست دادن ایمان است و از طرف دیگر محصول رفاه بیش از اندازه. غرب بر سر سفره شرق

نشسته است و خون شرق را می‌مکد. چرا دم از پوچی و نیهیلیسم نزنند؟! (مطهری، عدل الهی، ج ۱: ۱۸۶ - ۱۸۵).

راه پیشگیری از خودکشی

راهکار اصلی برای مصون ساختن جامعه از گرفتار شدن به آفت خودکشی عبارت است از تقویت ایمان راستین و خالصانه به خدای کریم و حکیم. هرچه ایمان واقعی به خداوند متعال در انسان بیشتر شود، امید و نشاطش افزون می‌شود و از کژراهه‌هایی چون اضطراب، افسردگی و خودکشی دور می‌شود. کسی به خودکشی روی می‌آورد که احساس پوچی و بی‌پناهی کند. اگر می‌خواهید در هر جامعه‌ای از خودکشی پیشگیری کنید، عشق الهی و ایمان راستین به خدای حکیم را به مردم بیاموزید و تقویت کنید.

چون خودکشی از نظر همه مردم، حتی کسانی که تصمیم به انجام آن گرفته‌اند، بدترین گزینه است و هیچ کسی نمی‌خواهد آن را انتخاب کند، مگر آنکه راه دیگری نیابد و ناچار و بیچاره شود، معمولاً کسانی که می‌خواهند خودکشی کنند، این موضوع را با شخصی در میان می‌گذارند و همین زمان، فرصتی طلایی و شاید آخرین فرصت برای نجات آن‌هاست. پس با او گفت‌وگو کنید و او را به شرح وضعیت روحی و زندگی خودش تشویق کنید و به او بگویید دست‌کم وصیت و آخرین پیامت را بگو. پس نخست بگذارید او هرچه می‌خواهد، از دل تنگش سخن بگوید و کاملاً سفره دلش را برای شما باز کند و اگر فحش و بد و بیراه نیز به شما یا به هرکس دیگری داد، صبور باشید و واکنش فوری نشان ندهید و اجازه دهید عقده‌هایش را خالی کند. آن‌گاه که سخنش به پایان رسید، هرگز ملامتش نکنید، بلکه تأکید کنید که بعد از خودکشی دیگر فرصت بازگشت و جبران ندارید! پس برای خودکشی عجله نکن! و کم‌کم به او امید بدهید و با بیان مثال‌هایی از تاریخ زندگی پیامبران الهی و سیره معصومان (علیهم‌السلام) و مؤمنان راستین، ایمانش را به خدا تقویت کنید و به او بگویید و تلقین کنید که تو می‌توانی یا توکل بر خدای توانا، بر همه مشکلات غلبه کنی و با نرمی و مهربانی برایش روشن کنید که هر مشکلی راه‌حلی دارد.

چون خودکشی از نظر همه مردم، حتی کسانی که تصمیم به انجام آن گرفته‌اند، بدترین گزینه است و هیچ کسی نمی‌خواهد آن را انتخاب کند، مگر آنکه راه دیگری نیابد و ناچار و بیچاره شود، معمولاً کسانی که می‌خواهند خودکشی کنند، این موضوع را با شخصی در میان می‌گذارند

منابع

۱. تکامل اجتماعی انسان در تاریخ (نبرد حق و باطل) در مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۵.
۲. عدل الهی در مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۱.